

تحلیل تولیدات علمی دوفصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی و ترسیم نقشه علمی

1	عباداله عموقین، جعفر	ebadollah2005@gmail.com	استادیار دانشگاه قم/ قم/ ایران
2	نصیری، محمدرضا	mrnasiri1989@gmail.com	دانشجوی دکتری دانشگاه قم/ قم/ ایران
3	شجاعی، محمدرضا	ghahan55@gmail.com	کارشناس مجلات دانشگاه قم/ قم/ ایران

چکیده

مقدمه: تحلیل داده های علمی به منظور شناسایی روندهای تحقیقاتی و ارزیابی عملکرد دانشمندان، بخش مهمی از تحقیقات علمی است. تحلیل تولیدات علمی مجلات تخصصی می تواند به درک عمیق تر از تحولات علمی کمک کند. فصلنامه «پژوهش های تفسیر تطبیقی»، به عنوان مرجعی معتبر در حوزه مطالعات تطبیقی متون دینی، فلسفی و فرهنگی، نقشی برجسته در این زمینه دارد. این تحقیق به بررسی تولیدات علمی این فصلنامه با استفاده از روش های علم سنجی پرداخته است.

اهداف و ضرورت ها: هدف این تحقیق شناسایی ویژگی های کلیدی مقالات منتشر شده در فصلنامه «پژوهش های تفسیر تطبیقی» از جمله روند رشد مقالات، نقشه های هم رخداد و هم نویسنده گی، پربسامدترین واژگان، گرایشات پژوهشی، وضعیت بلوغ خوشه ها و شناسایی نویسندگان و دانشگاه های پرتولید است.

روش تحقیق: در این پژوهش، از پایگاه داده ISC برای جمع آوری داده ها استفاده شده و تحلیل های شبکه ای داده ها با نرم افزارهای اکسل و bibliometrix انجام شد. از روش های هم نویسنده گی و تحلیل واژگان برای تحلیل محتوا بهره گرفته شد.

یافته ها: بر اساس نتایج، تعداد مقالات از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ رشد داشته و سپس به طور نسبی ثابت مانده و در سال ۱۴۰۳ کاهش یافته است. واژه «تفسیر» در مرکز شبکه هم رخدادی مقالات قرار دارد و نشان دهنده محوریت این موضوع در پژوهش ها است. همچنین، برخی خوشه های واژگانی دیگر مانند «قرآن» و «تفسیر تطبیقی» نیز شناسایی شدند. بررسی هم نویسنده گی نشان داد که مقالات عمدتاً توسط دو یا چند نویسنده منتشر شده اند. گرایشات پژوهشی نیز در طول زمان تغییراتی از جمله افزایش توجه به مفاهیم «قرآن» و «فرهنگ» نشان داده اند.

نتیجه گیری: فصلنامه «پژوهش های تفسیر تطبیقی» در طول زمان تغییرات قابل توجهی در تعداد مقالات و تنوع موضوعی داشته است. تحلیل شبکه هم رخدادی واژگان و هم نویسنده گی نشان دهنده تنوع در رویکردهای پژوهشی و همکاری های علمی است. این پژوهش می تواند به مدیران نشریه کمک کند تا با تحلیل روندهای گذشته، استراتژی های مناسب برای آینده را اتخاذ کنند. همچنین، پیشنهاد می شود که در تحقیقات آینده از روش های ترکیبی کیفی و کمی برای گسترش نتایج این تحقیق استفاده شود.

کلیدواژه: هم نویسنده گی، هم واژگانی، علم سنجی، تولید علمی، پژوهش های تفسیر تطبیقی

مقدمه:

تحلیل داده‌های علمی نقشی حیاتی در درک روندهای تحقیقاتی، شناسایی زمینه‌های نوظهور و ارزیابی عملکرد دانشمندان ایفا می‌کند. روش‌های سنتی تحلیل داده‌های علمی، مانند تحلیل کتاب‌سنجی، غالباً بر روی شمارش استنادات و سایر شاخص‌های کمی تمرکز دارند. با این حال، این روش‌ها قادر به درک پیچیدگی روابط بین نویسندگان و ایده‌ها نیستند.

با گسترش سریع تولیدات علمی در عرصه‌های مختلف، تحلیل و بررسی روندهای علمی در هر حوزه می‌تواند به درک عمیق‌تری از تحولات علمی و رویکردهای جدید کمک کند. (Budnukaeku, 2024). در این میان، دوفصلنامه «پژوهش‌های تفسیر تطبیقی» به عنوان یک مرجع معتبر در زمینه مطالعات تطبیقی متون دینی، فلسفی و فرهنگی، نقشی برجسته در توسعه و پیشبرد این حوزه ایفا کرده است. تولیدات علمی این دوفصلنامه به‌ویژه در زمینه‌های تفسیر متون دینی و فلسفی و همچنین تطبیق فرهنگی، می‌تواند گامی مهم در ترسیم نقشه علمی در این حوزه‌ها باشد (Budnukaeku, ۲۰۲۴).

پژوهش‌های تفسیر تطبیقی به بررسی و تحلیل تطبیقی متون از جنبه‌های مختلف فرهنگی، دینی و فلسفی پرداخته و این امر یکی از مهم‌ترین موضوعات در مطالعات میان‌رشته‌ای به شمار می‌رود. دوفصلنامه «پژوهش‌های تفسیر تطبیقی» با انتشار مقالات مختلف در این زمینه، به یک مرجع اصلی برای پژوهشگران تبدیل شده است. با این حال، تحلیل تولیدات علمی این مجله در طول زمان و شناسایی روندهای تحقیقاتی، می‌تواند به روشن شدن نقاط قوت و ضعف این حوزه کمک کند و همچنین راه‌های نوین تحقیقاتی را در برابر پژوهشگران جدید قرار دهد. (Van Raan, 2005)

تحلیل روند تولیدات علمی این دوفصلنامه به‌ویژه می‌تواند به شناسایی تغییرات در موضوعات و رویکردهای پژوهشی در حوزه تفسیر و تطبیق کمک کرده و زمینه‌های جدید پژوهشی را کشف کند. همچنین، این تحلیل می‌تواند مقایسه‌ای میان مقالات منتشر شده در این دوفصلنامه با سایر نشریات علمی مشابه ارائه دهد. (Cronin & Meho, 2006)

تحلیل و ارزیابی تولیدات علمی می‌تواند به بهبود فرآیندهای پژوهشی و توسعه دانش در حوزه‌های مطالعات تطبیقی کمک کند. همچنین، با توجه به گستردگی موضوعات و دیدگاه‌های مختلف در این حوزه، نیاز به یک نقشه علمی جامع برای هدایت پژوهشگران و محققان جدید در این زمینه احساس می‌شود. پژوهش‌هایی از این دست می‌توانند به‌ویژه در کشورهایی که مطالعات تطبیقی در آن‌ها در حال توسعه است، زمینه‌ساز تحولاتی در شیوه‌های پژوهش و تولید علم باشند (Leydesdorff & Woolley, 2011).

علم‌سنجی به معنای سنجش و ارزیابی تحقیقات و تولیدات علمی است. این فرایند به کسب اطلاعات در مورد تحقیقات و تولیدات علمی، ارزیابی و تعیین معیارهای مدیریتی مانند بودجه، جایگاه و بازده دانشگاه‌ها و مراکز علمی می‌پردازد. (اسچافلین و گلانزل^۱، ۲۰۰۱: ۲)

¹ Schoepflin & Glänzel

علم سنجی، با اتکا به داده های کمی مربوط به تولید، توزیع و استفاده از متون علمی، به بررسی و توصیف علم و پژوهش های علمی و ویژگی های آن می پردازد. این علم، در کنار شاخص های توصیفی و کمی، از فنون ترسیم و تحلیل نقشه های علمی نیز برای ارزیابی ها استفاده می کند. هم استادی، هم رخدادی واژگان، هم نویسنده گی و مانند آن از جمله این فنون هستند. (خاصه و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۴)

در سال های اخیر، پژوهشگران دریافته اند که متون مشابه حول موضوعات یکسان یا مشابه، شبکه ای از مفاهیم را تشکیل می دهند که به آن "زنجیره مفهومی" می گویند. این زنجیره ها از طریق بررسی واژگان مشترک در این متون و محاسبه "فراوانی واژگان" به دست می آیند. در این شبکه ها، روابط معنایی خاصی بین متون و مفاهیم وجود دارد که نشان دهنده ی ارتباطات عمیق تر بین موضوعات است (احمدی و عصاره، ۱۳۹۶: ۱۳۰).

تحلیل هم رخدادی واژگان، شاخصی نوین در علم سنجی است که در دهه ۱۹۸۰ میلادی معرفی شد. این شاخص، میزان ارتباط میان یک مجموعه مدارک در یک حوزه علمی را نشان می دهد و با تحلیل محتوای متون، ساختار مفهومی آن حوزه پژوهشی را آشکار می سازد. (توکلی فراش، ۱۳۹۵: ۲)

علاوه بر تحلیل هم رخدادی، تحلیل هم نویسنده گی نیز یکی از روش های مؤثر در علم سنجی است. هم نویسنده گی، یکی از اشکال همکاری علمی است که طی آن دو یا چند نویسنده با هدف خلق اثری مشترک، منابع و استعدادهای خود را به اشتراک می گذارند و به عنوان یکی از خصوصیات اصلی نظام پژوهشی در نظر گرفته می شود. همکاری علمی مزایا و فواید زیادی دارد؛ از جمله ارتقای کیفیت مقاله، استفاده از تخصص و مهارت نویسنده همکار، ارائه ایده های جدید و با ارزش توسط نویسنده همکار، افزایش انتشارات علمی و یادگیری از نویسنده همکار. (رحیمی و فتاحی، ۱۳۸۷: ۲)

یکی از روش های پر استفاده که برای تحلیل ساختار دانش در حوزه های مختلف استفاده می شود ارتباط میان واژگان به کار رفته در قسمتهای مختلف مدرک (از جمله عنوان، چکیده، کلیدواژه ها و متن) است که از آن به عنوان هم واژگانی یاد می شود (سهیلی و دیگران، ۱۳۹۵: ۲۲). از مهمترین اهداف تولید نقشه های علمی شناسایی الگوها و گرایشات، ارائه تصویری کلان از وضعیت پژوهشهای صورت گرفته و چگونگی ارتباط حوزه ها با همدیگر و همچنین آگاهی از چگونگی رشد و توسعه این حوزه ها است (صدیقی، ۱۳۹۳: ۳۷۴). در واقع، تحلیل هم واژگانی، نوعی تحلیل محتواست که در آن فراوانی رخداد کلماتی که با هم در یک حوزه بکار گرفته شده اند — با این پیشفرض که به هم مرتبط می شوند — در نظر گرفته می شود.

علم سنجی به معنای سنجش و ارزیابی تحقیقات و تولیدات علمی است. این فرایند به کسب اطلاعات در مورد تحقیقات و تولیدات علمی، ارزیابی و تعیین معیارهای مدیریتی مانند بودجه، جایگاه و بازده دانشگاه ها و مراکز علمی می پردازد. (اسچافلین و گلزنل^۲، ۲۰۰۱: ۲)

² Schoepflin & Glänzel

پیشینه تحقیق

پژوهش های متعددی با استفاده از تحلیل هم‌رخدادی، هم‌نویسندگی و ... به علم‌سنجی مجلات پرداخته‌اند.

میرحق جولنگرودی (۱۳۹۲) به بررسی وضعیت انتشارات علمی فصلنامه «مطالعات قرآنی» بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۲ با رویکرد علم‌سنجی پرداخت. یافته‌ها نشان داد که این فصلنامه با انتشار ۱۳۶ مقاله در ۱۵ شماره، نظم انتشاراتی را به طور نسبی رعایت کرده است. نیمی از مقالات توسط نویسندگان به صورت انفرادی و نیمی دیگر به صورت گروهی نوشته شده‌اند. ۴۲ مقاله با همکاری نویسندگانی از یک دانشگاه و ۲۷ مقاله با مشارکت پژوهشگران از دانشگاه‌های مختلف به نگارش درآمده است. دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت به عنوان دانشگاه پرتولید در جایگاه نخست قرار دارد و در میان نویسندگان، مهدی ممتحن به عنوان پرمقاله‌ترین نویسنده این مجله معرفی می‌شود.

عرفان منش و مروتی اردکانی، (۱۳۹۵) به مطالعه علم‌سنجی و تحلیل شبکه‌های همکاری نویسندگان و مؤسسات در مقاله‌های منتشرشده در فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، طی شماره‌های نخست تا بیست‌وهفتم پرداخت؛ در این راستا تعداد تولیدات، الگوهای تألیف، پرتولیدترین افراد و مؤسسه‌ها، ویژگی شبکه‌های همکاری در مقاله‌های فصلنامه و همچنین تخصص موضوعی پدیدآورندگان، مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله دارای رویکرد کاربردی است و با استفاده از شاخص‌های علم‌سنجی و تحلیل شبکه‌های اجتماعی، انجام شده و از نرم‌افزار تحلیل شبکه یو.سی.آی.نت، برای ترسیم و تحلیل شبکه‌های همکاری علمی استفاده شده است. نتایج این پژوهش، نشان داد که ۱۸۵ مقاله در شماره‌های نخست تا بیست‌وهفتم فصلنامه منتشر شده است که ۲۷۲ پژوهشگر از ۷۰ دانشگاه و مؤسسه پژوهشی در نگارش آن دخیل بوده‌اند و ۴۸/۶۵ درصد از مقاله‌ها به صورت انفرادی و ۵۱/۳۵ درصد نیز از طریق همکاری علمی دو یا چند پژوهشگر تألیف شده است و دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران، علامه طباطبایی، تربیت مدرس و خوارزمی از نقشی کلیدی و مرکزی در شبکه برخوردار بوده‌اند. همچنین حوزه‌های موضوعی علوم تربیتی، علوم سیاسی و مدیریت، دارای بیشترین سهم در مقاله‌های منتشرشده در فصلنامه بوده‌اند.

پناهی و یوسف‌زاده (۱۳۹۷) تحلیل محتوای مقالات منتشرشده در فصلنامه امنیت پژوهی (در فاصله سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۷) به روش ارزیابی را انجام داده‌اند. بررسی روند ده ساله و تحلیل ارزیابی و علم‌سنجی ۲۶۱ مقاله منتشر شده در ۳۸ شماره از این فصلنامه با تجزیه و تحلیل داده‌ها بوسیله نرم‌افزارهای Excel و Vos-viewer نشان می‌دهند بیشترین میزان تدوین مقالات علمی بوسیله دونویسنده به میزان ۴۴ درصد بوده، روش تحقیق توصیفی - تحلیلی با ۷۸ درصد، بیشترین کاربرد را در مقالات منتشرشده داشته و ۶۰ درصد از روش کیفی استفاده نموده‌اند. با عنایت به نتایج به دست آمده از یافته‌های پژوهش پیشنهادهایی از جمله جذب اساتید و متخصصان علمی کشور، ایجاد تنوع در موضوعات مقالات و افزایش ضریب تاثیر مجله ارائه گردیده است.

پوروشسب و کریمی‌زاده اردکانی (۱۳۹۸) در پژوهش خود به تحلیل کتاب‌سنجی و علم‌سنجی فصلنامه رهیافت بین سال‌های ۱۳۷۷-۱۳۹۷ پرداختند. یافته‌ها نشان داد فصلنامه رهیافت با نرخ پذیرش ۳۸٪، مقالاتی در زمینه علم و فناوری،

تحلیل عملکردها، مدل سازی و تحلیل های علمی-دیدگاهی منتشر می کند. نویسندگان عمدتاً دانشجویان دکتری و صاحبان مدرک دکتری هستند و از منابع فارسی، انگلیسی و سایر زبان ها استفاده می کنند. علیرغم تنوع موضوعی و بین رشته ای، چاپ چاپی این فصلنامه نیاز به تقویت دارد.

اکبری (۱۴۰۱) به بررسی مقالات منتشر شده در فصلنامه نهج البلاغه طی ۹ سال (۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰) پرداخت. یافته ها نشان داد تنوع در نویسندگان، وابستگی سازمانی، موضوعات و روش های پژوهشی مقالات مناسب است. سهم مقالات تک مولف ۴۰٫۹٪، دو مولف ۴۵٫۶٪ و سه مولف یا بیشتر ۱۳٫۵٪ است. ۴۰٫۹٪ نویسندگان از گروه زبان و ادبیات، ۵۲٫۴٪ مقالات در حوزه های ادبیات، روانشناسی و حقوق و ۴۸٫۳٪ مقالات از نوع توصیفی تحلیلی هستند و وضعیت نشریه از نظر شاخص های بررسی شده در مقایسه با نشریات مشابه مطلوب است.

عباداله و ضیائی (۲۰۱۷) در پژوهش خود به تحلیل تولیدات علمی فلسفه اسلامی در پایگاه وب آو ساینس (Wos) از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ پرداخته اند. این مطالعه به صورت توصیفی و با استفاده از رویکرد علم سنجی انجام شده است. نتایج نشان داد که در مجموع ۱۷۶ رکورد در زمینه فلسفه اسلامی در پایگاه وب آو ساینس فهرست شده اند که از این تعداد، ۷۱ رکورد به صورت مقاله در مجلات علمی منتشر شده اند و مابقی در انواع دیگر اسناد همچون نقد کتاب، فصول کتاب و غیره منتشر شده اند. بر اساس کشور محل انتشار، ایالات متحده آمریکا با ۴۲ رکورد و بریتانیا با ۲۱ رکورد به ترتیب در رتبه های اول و دوم قرار دارند. در زمینه زبان انتشار، بیش از ۸۰٪ از این رکوردها به زبان انگلیسی منتشر شده اند، ۸٪ به زبان آلمانی و ۳٪ به زبان اسپانیایی. در بین نویسندگان این مقالات، F.Y. Albertini با ۸ رکورد، یک ارجاع و H-Index برابر با ۱ در رتبه اول قرار دارد و پس از آن O. Leman و R. Jackson با ۴ و ۳ رکورد به ترتیب و بدون هیچ ارجاعی در رتبه های دوم و سوم قرار دارند. این مطالعه تحلیلی از وضعیت تولیدات علمی در زمینه فلسفه اسلامی ارائه کرد.

دانش و رحیمی (۱۴۰۳) در پژوهش خود به بررسی ارتباط شاخص های جمعیت شناختی و علم سنجی با پدیده در هم تنیدگی اعضای هیأت تحریریه در مجلات نجوم و اخترفیزیک پرداختند. این مطالعه با استفاده از روش های علم سنجی و رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شد و هدف آن شناسایی عوامل مؤثر بر در هم تنیدگی علمی اعضای هیأت تحریریه بود. نتایج نشان داد که عوامل فردی همچون جنسیت، مرتبه علمی و ضریب تأثیر تأثیری بر در هم تنیدگی ندارند و این پدیده بیشتر تحت تأثیر ساختار شبکه ای و پیوندهای اجتماعی است. همچنین، کشورهای با تولید علمی بیشتر مانند آمریکا، روسیه و انگلستان نقش برجسته ای در در هم تنیدگی دارند. این پژوهش می تواند زمینه ساز تحقیقات مشابه در دیگر حوزه های فیزیک و مجلات فارسی شود.

بهاری و مودی (۱۳۹۹) در پژوهش خود به تحلیل جایگاه نویسندگی زنان در مقالات علمی حوزه جغرافیا پرداخته اند. هدف این مطالعه بررسی میزان مشارکت زنان در مقالات علمی و مقایسه آن با مردان بوده است. نتایج نشان داد که زنان در تولید مقالات علمی در این حوزه نقش مهمی ایفا می کنند، اما با توجه به مقایسه ها، مردان بیشتر از زنان در نویسندگی

مقالات مشارکت دارند. این مطالعه همچنین به تحلیل چگونگی همکاری های علمی و پراکندگی جغرافیایی نویسندگان پرداخته است و نشان می دهد که در مجموع، به رغم رشد مشارکت زنان، هنوز تفاوت های قابل توجهی در میزان تولید مقالات بین زنان و مردان وجود دارد. این پژوهش می تواند به عنوان مبنای مطالعات آتی در زمینه تحلیل جایگاه زنان در پژوهش های علمی در حوزه های مختلف باشد.

تیو^۳ و دیگران، (۲۰۰۱) یک بررسی کتاب سنجی از تمام مقالات منتشر شده در مجله مالزی علوم کتابخانه و اطلاعات از ۲۰۰۰-۱۹۹۶ انجام داد. محدوده مقالات منتشر شده در هر جلد بین ۱۴ تا ۱۷ است. میانگین تعداد مراجع در هر مقاله ۲۲٫۵ است. میانگین طول هر مقاله ۴۱٫۲ صفحه است. ۵۳ (۶۹٫۷۴٪) از مقالات پژوهش محور هستند. درصد مقالات چند نویسنده حدود ۵۲٫۶٪ یا ۴۰ مقاله از مجموع ۷۶ مقاله است. پرکارترین نویسنده ۱۲ مقاله ارائه کرده و ۳۶ (۴۵٪) از نویسندگان از نظر جغرافیایی به مالزی وابسته هستند. دانشکده علوم رایانه و فناوری اطلاعات، دانشگاه مالایا با ۲۶ مؤلف از ۸۰ مؤلف بیشترین میزان پژوهش را داشته است. محبوب ترین موضوع، انتشارات علمی و حرفه ای است. ۳۰ مقاله (۳۹٫۵٪) حاوی خوداستنادی نویسنده بودند.

سرنکو^۴ و دیگران (۲۰۰۹) به بررسی هویت و تحولات رشته مدیریت دانش و سرمایه فکری (KM/IC) در طی سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۸ با استفاده از تحلیل های سنجشی علمی (اسکی سنجمتری) پرداختند. تحلیل ها نشان داد که به طور میانگین هر مقاله در این کنفرانس توسط ۱٫۷۳ نویسنده نوشته شده و ۳ کشور برتر از نظر تولید علم در این حوزه، آمریکا، کانادا و انگلستان بوده اند. دانشگاه های کلگری، پلی تکنیک کاتالونیا و اوویدو و همچنین محققان جیمز فالکنر، حوزه ماریا ویدما مارتی و اسکات اریکسون، بیشترین سهم را در تولید علم در این حوزه داشته اند. در این میان، مطالعه موردی، توسعه چارچوب و مرور ادبیات، متداول ترین روش های تحقیق بوده اند.

تانوسکودی^۵، (۲۰۱۱) به تحلیل کتاب سنجی مقالات و منابع آن ها در مجله شیمی هند از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ هدف شناسایی نقاط قوت و ضعف مجله برای بهبود آتی پرداختند. در این تحلیل، تعداد مقالات، الگوی نویسندگی، شکل منابع ارجاع شده و غیره مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که بخش اعظم مقالات از کشور هند هستند و بیشترین مقالات نیز توسط دو نویسنده نوشته شده اند. همچنین، این مطالعه نشان می دهد که اکثر نویسندگان، مجلات را به عنوان منبع اصلی اطلاعات ترجیح می دهند. در نهایت، این تحلیل کتاب سنجی زمینه ای ارزشمند برای ارتقای جایگاه مجله شیمی هند فراهم می کند.

در ادبیات پژوهش، بررسی دوره ای عملکرد مجلات علمی با استفاده از روش های علم سنجی رویکردی متداول است. این رویکرد در حوزه های موضوعی مختلف به کار گرفته شده و به عنوان ابزاری کارآمد برای ارزیابی شاخص های مختلف

3 Tiew

4 Serenko

5 Thanuskodi

مانند کیفیت مقالات، تنوع نویسندگان، و سهم دانشگاه ها و مراکز پژوهشی در انتشار مقالات، مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش نیز با الهام از این رویکرد، به بررسی وضعیت فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی با استفاده از روش های علم سنجی پرداخته خواهد شد.

نشریه «پژوهش های تفسیر تطبیقی» (رتبه: الف) دوفصلنامه علمی-پژوهشی در حوزه قرآن، علوم قرآنی، اسلام، تفسیر، تفاسیر شیعه و تفاسیر اهل سنت است که توسط دانشگاه قم و با حمایت معنوی و علمی انجمن ایرانی مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی منتشر می شود. نشریه «پژوهش های تفسیر تطبیقی» مقاله های علمی، پژوهشی و مروری به زبان فارسی به همراه چکیده و منابع به انگلیسی منتشر می کند. این نشریه محفلی و محملی ارتباطی برای بحث و تبادل نظر علمی میان مفسران و متخصصان حوزه علوم قرآنی و تفسیر است.

اهداف و ضرورت ها

بر این اساس، پژوهش حاضر در نظر دارد، فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی را با رویکرد علم سنجی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. از این رو، محققین در نظر دارند به سؤالات زیر پاسخ دهند:

۱. نقشه هم رخداد شکل گرفته از مقالات منتشر شده فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی از ابتدا تاکنون به چه شکل است؟
۲. نقشه هم نویسنده گی شکل گرفته از همکاری نویسندگان در انتشار مقالات در فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی از ابتدا تاکنون به چه صورت است؟
۳. پر بسامدترین واژگان استفاده شده در مقالات این مجله کدام بوده اند؟
۴. گرایشات پژوهشی فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی در طول زمان، چه تغییراتی داشته است؟
۵. خوشه های حاصل از تحلیل هم واژگانی از نظر بلوغ و توسعه یافتگی در نمودار راهبردی فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی در چه وضعیتی قرار دارند؟
۶. پرتولیدترین نویسندگان و دانشگاه ها در انتشار مقالات در فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی کدام بوده اند؟

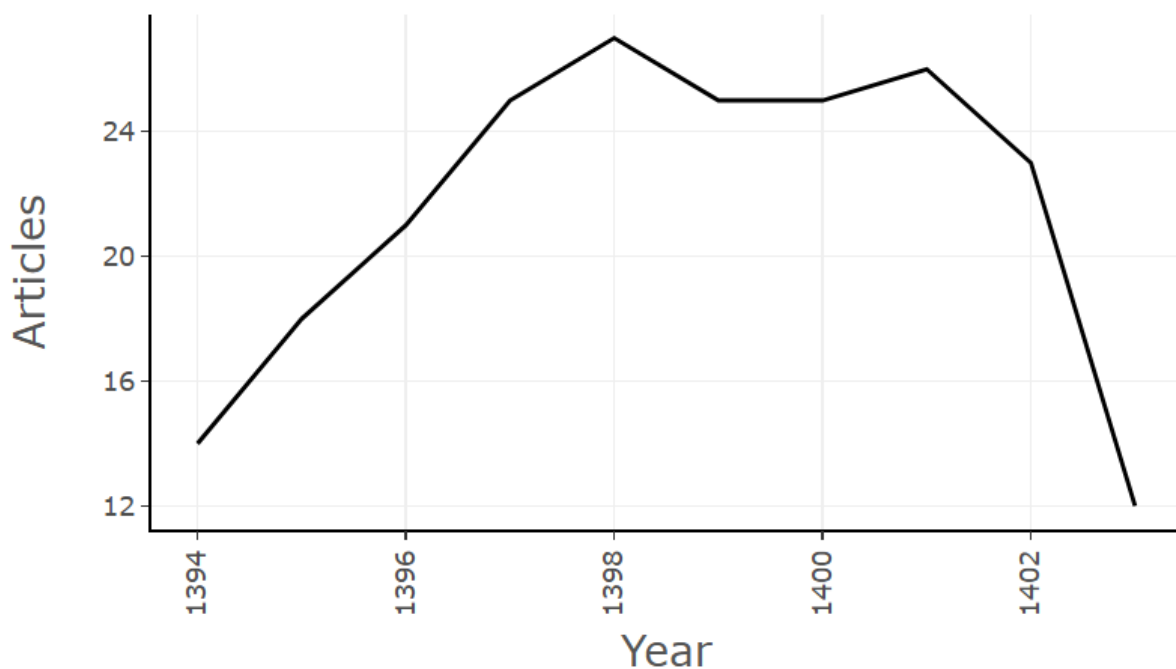
روش تحقیق:

در این پژوهش، از پایگاه داده ISC برای جمع آوری اطلاعات مربوط به مقالات علمی نشریه پژوهش های تفسیر تطبیقی استفاده شد. سپس، از نرم افزارهای اکسل و bibliometrix برای تحلیل شبکه ای داده ها استفاده شد. برای تحلیل محتوای مقالات، از روش هم نویسنده گی و تحلیل واژگان استفاده شد. در هم نویسنده گی به معنای حضور دو یا چند نویسنده در یک

مقاله است که حداقل در دو مقاله همکار بوده اند و برای هم‌رخداد واژگانی نیز آستانه حداقل ۲ در نظر گرفته شده است. در این روش، فرض بر آن است که نویسندگان که با هم همکاری می‌کنند، در مورد موضوعات مشابهی تحقیق می‌کنند.

یافته‌ها:

شکل زیر روند رشد مقالات نشریه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی را از سال ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد.



شکل ۱ روند تولید مقالات در سال

مشاهده می‌شود که از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸، تعداد مقالات منتشر شده روند افزایشی دارد. این رشد نشان می‌دهد که فعالیت علمی مجله یا استقبال پژوهشگران طی این سال‌ها در حال افزایش بوده است.

در سال ۱۳۹۸ بیشترین تعداد مقاله ثبت شده است (حدود ۲۷ مقاله). این سال نقطه اوج فعالیت مجله به لحاظ تعداد مقالات است.

از سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ تعداد مقالات نسبتاً ثابت باقی مانده و بین ۲۴ تا ۲۶ مقاله نوسان داشته است. این ثبات می‌تواند نشان‌دهنده سیاست نشریه در تعداد مشخص انتشار مقالات است.

در سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳، شاهد کاهش تعداد مقالات هستیم، به طوری که در سال ۱۴۰۳ تعداد مقالات به حدود ۱۲ مقاله رسیده است. که به دلیل نماندن مقالات منتشر شده در ISC است.

جدول ۱ تعداد مقالات و استنادها در سال های مختلف را نشان می دهد.

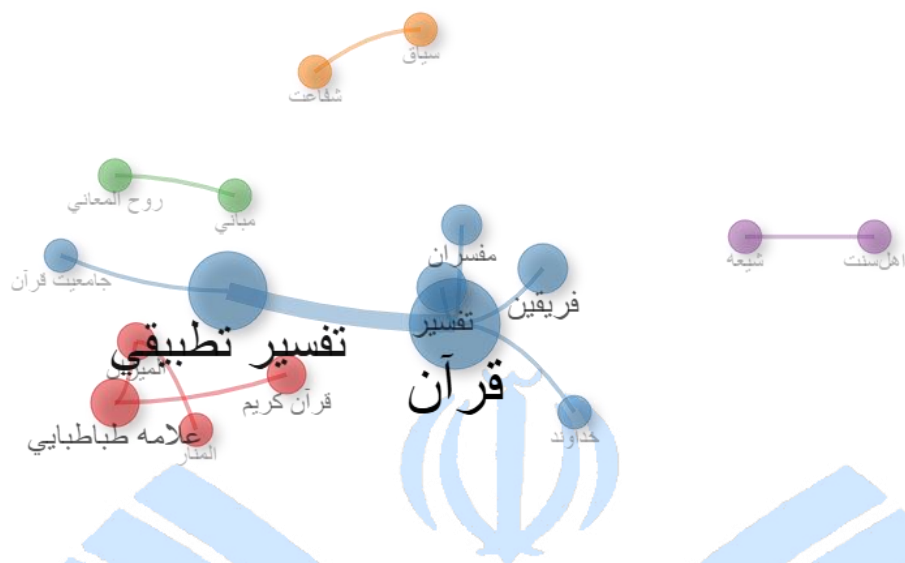
جدول 1 تعداد مقالات و استنادها در سال های مختلف

سال	تعداد مقالات	تعداد استنادات
1394	14	13
1395	18	4
1396	21	3
1397	25	8
1398	27	2
1399	25	3
1400	25	4
1401	26	2
1402	23	1
1403	12	
کل	216	40

مشاهده می شود که در سال ۱۳۹۴، نسبت استناد به مقاله ۰٫۹۳ بوده (تقریباً به ازای هر مقاله یک استناد)، و در سال های بعد کاهش یافته است.

سوال اول پژوهش مربوط به نقشه هم رخداد شکل گرفته از مقالات منتشر شده فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی است.

شکل ۲ شبکه هم رخداد واژگانی داده های مقالات نشریه را نشان می دهد.



بر اساس نقشه هم‌رخدادی واژگانی استخراج شده از مقالات نشریه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، واژه «تفسیر» در مرکز شبکه قرار گرفته است. این جایگاه مرکزی نشان‌دهنده اهمیت بنیادین مفهوم تفسیر در ساختار مقالات منتشر شده در این فصلنامه است. ضخامت زیاد خطوط متصل به گره «تفسیر» نیز نشان می‌دهد که این واژه با بسیاری از مفاهیم دیگر ارتباط قوی و پایداری دارد. در واقع، واژه «تفسیر» به عنوان نقطه کانونی مقالات عمل کرده و سایر مفاهیم در ارتباط با آن معنا یافته‌اند.

در این شبکه، چندین خوشه واژگانی قابل شناسایی است که بر اساس ارتباطات موضوعی به صورت گروه‌های رنگی از یکدیگر تفکیک شده‌اند. خوشه آبی‌رنگ شامل واژگانی است که ارتباط نزدیک‌تری با مباحث اصلی تفسیر دارند؛ واژگانی چون «قرآن»، «آیه»، «معنا» و «روش» در این خوشه قرار گرفته‌اند و بیانگر محوریت مباحث قرآنی و رویکردهای تفسیری در مقالات نشریه هستند. خوشه قرمز رنگ، واژگانی مرتبط با گونه‌های مختلف تفسیر یا روش‌های تحلیل متون دینی را دربر می‌گیرد و نمایانگر توجه به مباحث تخصصی‌تر در علم تفسیر است.

از سوی دیگر، خوشه‌های سبز، نارنجی و بنفش واژگانی را در بر می‌گیرند که بیانگر گرایش به موضوعات فرعی‌تر یا حوزه‌های میان‌رشته‌ای‌اند. این خوشه‌ها نشان می‌دهند که در کنار مباحث محوری تفسیر، موضوعاتی همچون علوم انسانی، مبانی فقهی یا مقایسه‌ای نیز مورد توجه پژوهشگران بوده است. اندازه گره‌های این خوشه‌ها کوچک‌تر از گره مرکزی بوده و نشان می‌دهد که این مفاهیم اگرچه نقش فرعی‌تر دارند، اما بخشی از منظومه پژوهشی نشریه را تشکیل می‌دهند.

در مجموع، ساختار شبکه هم‌رخدادی واژگان مقالات نشان می‌دهد که نشریه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی دارای هویتی مشخص و مبتنی بر محوریت مفهوم تفسیر است. در عین حال، گسترش خوشه‌های واژگانی پیرامون گره مرکزی حاکی

از تنوع موضوعی و رویکردهای پژوهشی متعددی است که در نشریه دنبال شده‌اند. این ساختار همگرایانه و در عین حال متنوع، می‌تواند مزیتی مهم برای توسعه بیشتر نشریه در آینده باشد.

بر همین اساس خوشه‌های تشکیل شده در جدول ۲ مشخص شده‌اند.

جدول ۲ خوشه‌های کلمات کلیدی

تعداد رخداد	کلیدواژه	خوشه	نام خوشه
28	قرآن	1	قرآن
18	تفسیر تطبیقی	1	قرآن
16	طباطبایی	1	قرآن
13	تفسیر قرآن	1	قرآن
11	فخر رازی	1	قرآن
7	مفسران	1	قرآن
6	عصمت	1	قرآن
4	مفسران فریقین	1	قرآن
3	تطبیق	1	قرآن
3	خداوند	1	قرآن
3	شان نزول	1	قرآن
3	قواعد تفسیری	1	قرآن
3	ملاصدرا	1	قرآن
3	هدایت	1	قرآن
3	هرمنوتیک فلسفی	1	قرآن
2	ازدواج	1	قرآن
3	تفسیر موضوعی	2	تفسیر موضوعی
3	فیض کاشانی	2	تفسیر موضوعی
18	تفاسیر فریقین	3	تفاسیر فریقین
4	شیعه	3	تفاسیر فریقین
3	المنار	3	تفاسیر فریقین
3	اهل سنت	3	تفاسیر فریقین
3	بررسی تطبیقی	3	تفاسیر فریقین
3	نقد	3	تفاسیر فریقین
5	سیاق	4	سیاق
4	شفاعت	4	سیاق
3	ولایت	4	سیاق
6	المیزان	5	المیزان
3	تفسیر روایی	5	المیزان
3	جامعیت قرآن	5	المیزان
3	روح المعانی	5	المیزان
3	مبانی	5	المیزان
3	تاویل	6	تاویل
3	تفویض	6	تاویل
3	تفسیر فریقین	7	تفسیر فریقین
3	حجاب	7	تفسیر فریقین

2	اذن الهی	8	اذن الهی
---	----------	---	----------

خوشه ۱ با نام "قرآن"، شامل کلیدواژه‌هایی مانند "قرآن"، "تفسیر تطبیقی"، "طباطبایی" و ... است که بیشتر به موضوع قرآن و تفسیر آن اشاره دارند.

خوشه ۲ با نام "تفسیر موضوعی"، شامل کلیدواژه‌هایی مانند "تفسیر موضوعی" و "فیض کاشانی" است که بر تفسیر موضوعی و محتوای آن تمرکز دارند.

خوشه ۳ با نام "تفاسیر فریقین"، شامل کلیدواژه‌هایی مانند "تفاسیر فریقین"، "شیعه"، "اهل سنت" و ... را شامل می‌شود که به تفاسیر دو گروه مختلف اشاره دارد.

خوشه ۴ با نام "سیاق"، شامل کلیدواژه‌هایی مانند "سیاق"، "شفاعت" و "ولایت" است که به زمینه‌های مختلف تفسیر قرآن اشاره دارند.

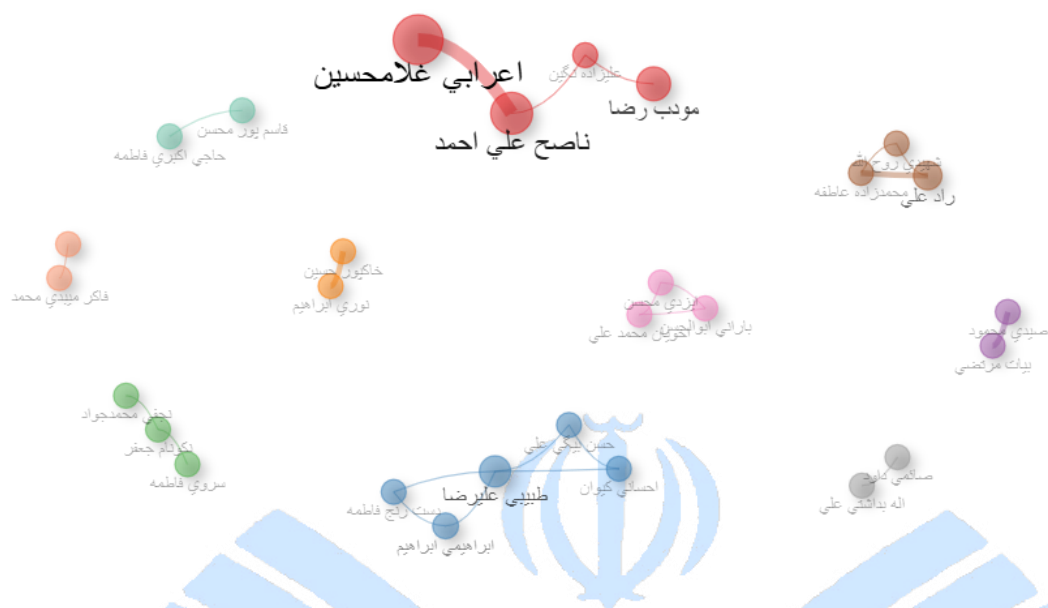
خوشه ۵ با نام "المیزان"، شامل کلیدواژه‌هایی مانند "المیزان"، "تفسیر روایی" و "جامعیت قرآن" است که به تفاسیر مربوط به تفسیر و فهم دقیق‌تر قرآن اشاره دارد.

خوشه ۶ با نام "تاویل"، شامل کلماتی مانند "تاویل" و "تفویض" است که به تفسیر و تبیین معنای آیات قرآن اشاره دارد.

خوشه ۷ با نام "تفسیر فریقین" (دوباره)، شامل کلیدواژه‌هایی مانند "تفسیر فریقین" و "حجاب" است که بر تفاسیر مختلف بین گروه‌های اسلامی تمرکز دارد.

خوشه ۸ با نام "اذن الهی"، شامل کلیدواژه "اذن الهی" است که به مفهوم اجازه یا اراده الهی اشاره دارد.

شکل ۲ شبکه هم‌نویسندگی مقالات نشریه را نشان می‌دهد.



مشاهده می شود که تعداد مقالات بعضی افراد بیشتر بوده و هر نویسنده با افراد محدودی همکاری داشته است.

جدول ۲ تعداد مقالات یک یا چند نویسنده را نشان می دهد.

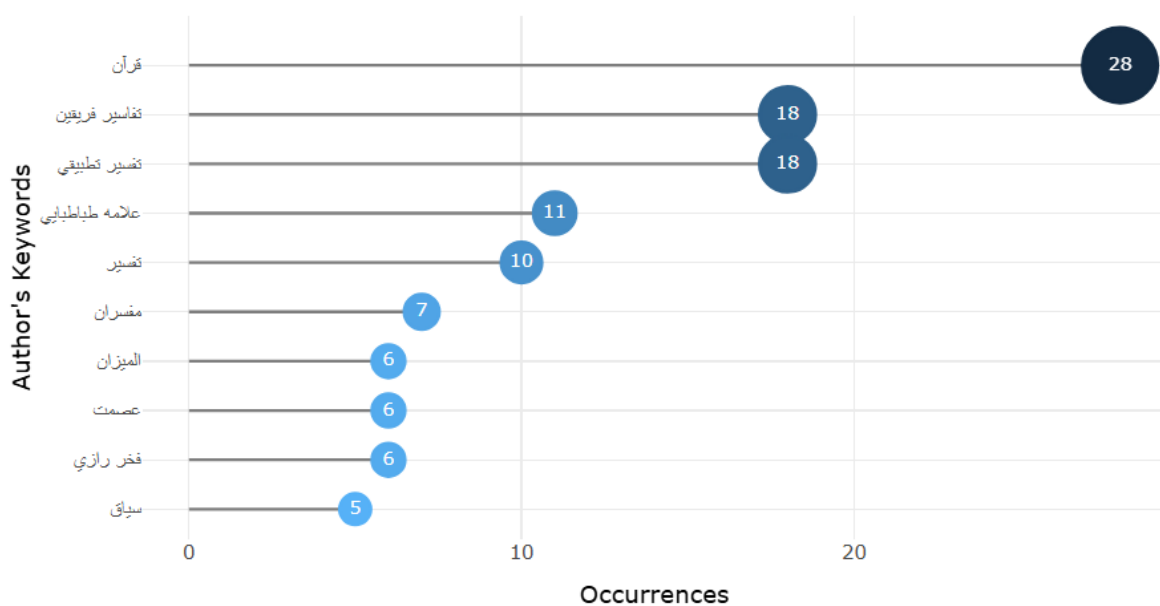
جدول 3 تعداد مقالات به تفکیک تعداد نویسنده

تعداد	چند نویسنده گی
39	یک
108	دو
58	سه
11	چهار
216	کل

مشاهده می شود که بیشترین فراوانی مربوط به مقالات با دو نویسنده است.

سوال سوم پژوهش مربوط به پرسامدترین واژگان استفاده شده در مقالات این مجله است.

شکل ۴ پرسامدترین کلیدواژه ها را نشان می دهد.



شکل ۴ پربسامدترین کلیدواژه‌ها

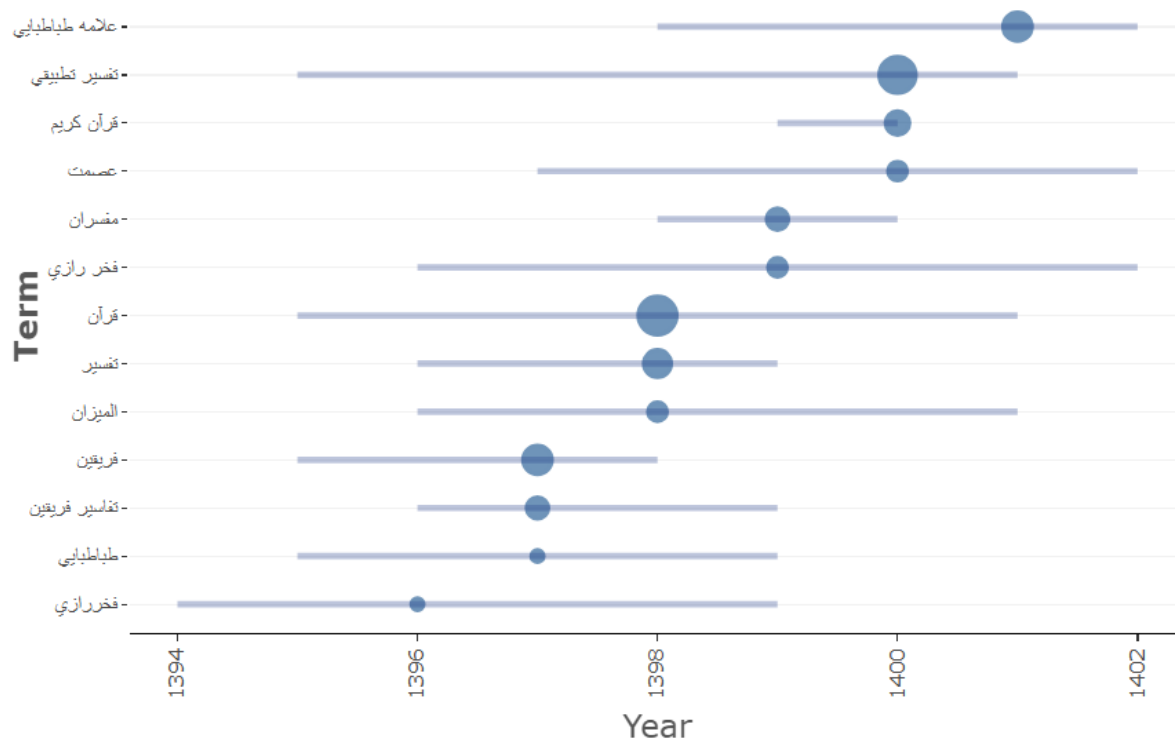
شکل ۴ نشان می‌دهد بیشترین فراوانی مربوط به قرآن است و پس از آن کلمات تفسیر فریقین، تفسیر تطبیقی و علامه طباطبائی وجود دارد.

جدول زیر این موارد را به طور کامل تر نشان می‌دهد.

جدول ۴ پربسامدترین کلیدواژه‌ها

کلیدواژه	تعداد
قرآن	28
تفاسیر فریقین	18
تفسیر تطبیقی	18
طباطبائی	16
تفسیر قرآن	13
فخر رازی	11
مفسران	7
المیزان	6
عصمت	6
سیاق	5
شفاعت	4
شیعه	4
مفسران فریقین	4

همچنین ابر کلمات را در شکل ۵ قابل مشاهده است.



در سال ۱۳۹۴، اصطلاحات "فرهنگ" و "علامه طباطبایی" نسبت به دیگر اصطلاحات برجستگی بیشتری داشتند. اندازه دایره‌ها نشان‌دهنده توجه نسبی بیشتر به این اصطلاحات در این سال است. این نشان می‌دهد که در این سال، بحث‌هایی پیرامون فرهنگ و شخصیت‌های علمی همچون علامه طباطبایی بیشتر در کانون توجه قرار داشت.

در سال ۱۳۹۶، اصطلاحات "قرآن" و "تغییر" نسبت به دیگر اصطلاحات برجسته‌تر بودند. دایره‌ها در این سال بزرگ‌تر شده‌اند، که به این معناست که توجه به این دو اصطلاح در این سال افزایش یافته است. این ممکن است نشان‌دهنده بحث‌های گسترده‌تر درباره تغییرات اجتماعی یا دینی و نقش قرآن در این تحولات باشد.

در سال ۱۳۹۸، توجه به اصطلاحات "قرآن" و "فرهنگ" به طور چشم‌گیری افزایش یافته است. اندازه دایره‌های این اصطلاحات نشان‌دهنده تمرکز بیشتر بر این موضوعات در این سال است. به‌ویژه اصطلاح "قرآن" در این سال توجه بسیار زیادی را جلب کرده است، که شاید نشان‌دهنده اهمیت ویژه‌ای از نظر دینی یا فرهنگی در آن زمان باشد.

در سال ۱۴۰۰، اصطلاحات "تغییر" و "قرآن" همچنان در کانون توجه قرار دارند و دایره‌های بزرگ‌تر آنها نشان‌دهنده اهمیت بالای این مفاهیم در آن زمان است. در این سال، توجه به تغییرات اجتماعی یا دینی و نقش قرآن در این تحولات بیشتر شده است و می‌تواند منعطف به اتفاقات اجتماعی یا سیاسی مهم در آن دوره باشد.

در نهایت، در سال ۱۴۰۲، تمرکز بر روی اصطلاحات "فرهنگ" و "علامه طباطبایی" همچنان وجود دارد، اما اندازه دایره ها کاهش یافته است. این ممکن است نشان دهنده کاهش تدریجی توجه به این موضوعات نسبت به سال های قبل باشد، با وجود اینکه این مفاهیم همچنان جزو موارد برجسته در سال های اخیر هستند.

به طور کلی، مشاهده می شود که اصطلاحات "قرآن"، "تغییر" و "فرهنگ" در طول زمان به طور خاص در سال های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۰ بیشترین توجه را به خود جلب کرده اند و این تغییرات می تواند نشان دهنده تحولات اجتماعی، دینی و فرهنگی در این سال ها باشد.

سوال پنجم مربوط به وضعیت خوشه های حاصل از تحلیل هم واژگانی از نظر بلوغ و توسعه یافتگی در نمودار راهبردی فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی است.

در نمودار راهبردی مرکزیت خوشه جایگاه آن را در حوزه پژوهشی نشان می دهد. تراکم خوشه نیز نشان دهنده بلوغ آن خوشه است.

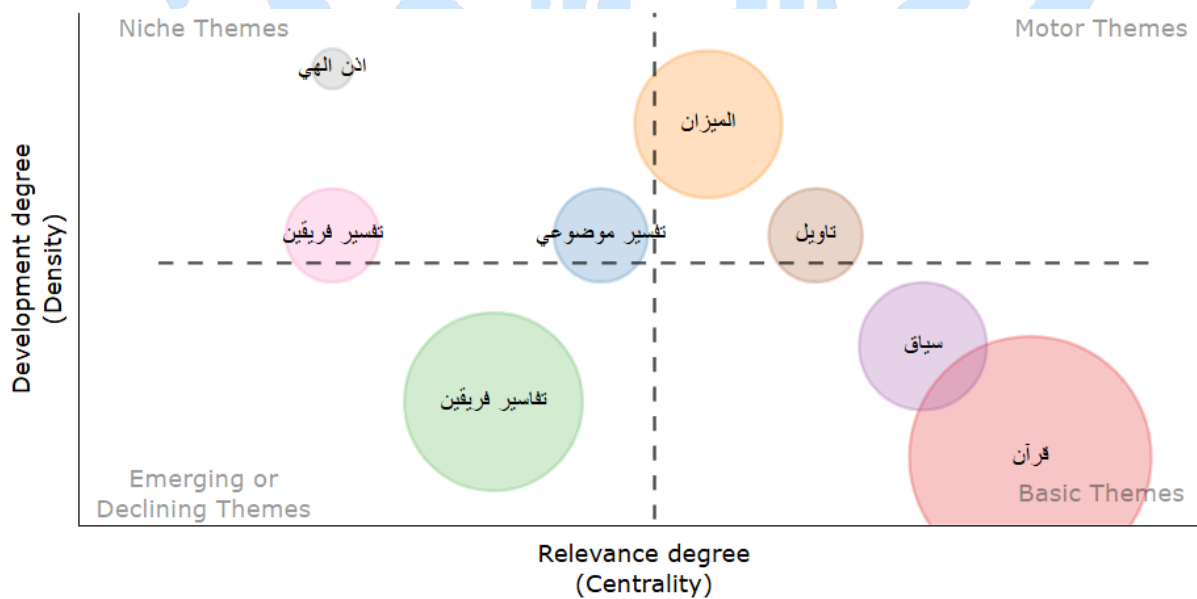
نمودار راهبردی دارای چهار قسمت است که بر اساس مرکزیت و تراکم تقسیم شده اند. قسمت اول خوشه های بالغ و مرکزی را نشان می دهد. قسمت دوم نشان دهنده خوشه های توسعه یافته اما مجزا است قسمت سوم بیانگر خوشه ای در حال ظهور یا زوال هستند و در نهایت قسمت چهارم خوشه های مرکزی اما نابالغ را نشان می دهد.



شکل ۷ نمودار راهبردی

بنابراین با استفاده از مفاهیم مرکزیت و تراکم می توان نمودار راهبردی را طراحی کرد تا وضعیت بلوغ و توسعه یافتگی هر خوشه مشخص شود.

شکل ۸ خوشه های مورد مطالعه و جایگاه آنها را در نمودار راهبردی نشان می دهد.



شکل ۸ نمودار راهبردی خوشه های مورد مطالعه

مشاهده می شود اولین دسته، موضوعات بنیادی (Basic Themes) هستند که در مرکز نمودار و در سمت راست قرار دارند. این اصطلاحات مانند "قرآن" در این بخش جای دارند که نشان دهنده اهمیت بالا و شناخته شدگی آن ها در سطح گسترده است. این اصطلاحات به طور معمول در مباحث مختلف اهمیت زیادی دارند و در بحث های عمومی و علمی به کرات استفاده می شوند.

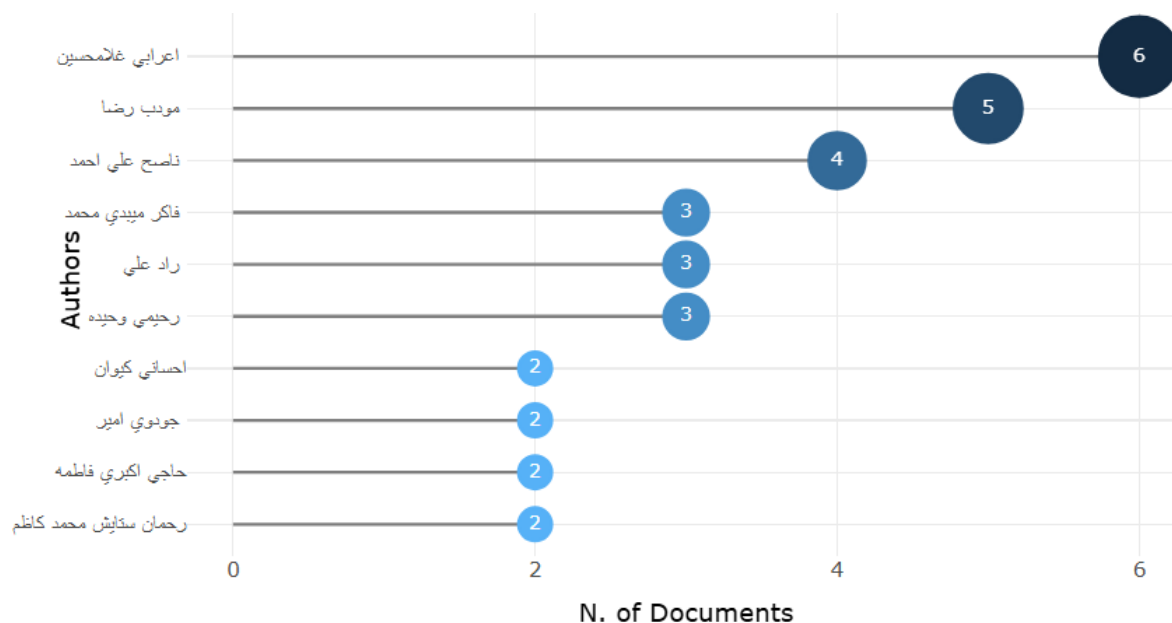
دومین دسته، موضوعات محوری (Motor Themes) هستند که در بخش بالا و راست نمودار قرار دارند. این اصطلاحات مانند "المیزان" دارای درجه توسعه بالا و ارتباط قوی هستند و نشان دهنده موضوعاتی هستند که در حال حاضر در کانون توجهات قرار دارند و بیشتر در بحث های تخصصی و مهم مورد استفاده قرار می گیرند. این اصطلاحات معمولاً تاثیر گذاری زیادی دارند و نقش محوری در مباحث علمی و دینی ایفا می کنند.

سومین دسته، موضوعات جدید یا در حال افول (Emerging or Declining Themes) هستند که در پایین سمت چپ نمودار قرار دارند. اصطلاحاتی مانند "تفسیر موضوعی" در این بخش جای دارند و نشان دهنده تغییرات یا روندهای نوظهور در جامعه علمی هستند. این اصطلاحات یا در حال گسترش هستند و توجه بیشتری جلب می کنند، یا به تدریج از نظر اهمیت و توجه کاسته می شود و به اصطلاحات فرعی تبدیل می شوند.

آخرین دسته، موضوعات نیش (Niche Themes) هستند که در قسمت بالا و چپ نمودار قرار دارند. این اصطلاحات مانند "اذن الهی" نشان دهنده موضوعاتی خاص و ویژه هستند که در مقایسه با دیگر اصطلاحات، کمتر در کانون توجه قرار دارند. این موضوعات معمولاً محدود به گروه های خاص علمی یا فرهنگی می شوند و در بحث های عمومی کمتر مطرح می شوند.

سوال ششم پژوهش مربوط به پر تولیدترین نویسندگان و دانشگاه ها در انتشار مقالات در فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی است.

جدول ۴ نویسندگان پر کار نشریه را نشان می دهد.



جدول 5 نویسندگان پرکار

نویسنده	تعداد مقاله
اعرابی غلامحسین	6
مودب رضا	5
ناصر علی احمد	4
فاکر میبدی محمد	3
راد علی	3
رحیمی وحیده	3
احسانی کیوان	2
جودوی امیر	2
حاجی اکبری فاطمه	2
رحمان ستایش محمد کاظم	2
سیاوشی کرم	2
شهیدی روح الله	2
طیبی علیرضا	2
طیب حسینی محمود	2
قاسم پور محسن	2
محمدزاده عاطفه	2
مهدوی راد محمد علی	2
ناصر علی احمد	2
نجفی محمدجواد	2
نکونام جعفر	2
ابراهیمی ابراهیم	2
اخویان محمد علی	2
اله بداشتی علی	2
بارانی ابوالحسن	2
تجری محمد علی	2
رضایی هفتادر حسن	2

2	روحي برندق كاوس
2	شمس زينب
2	طبيبي عليرضا
2	طيب حسيني محمود
2	قاضي زاده كاظم
2	مولاي نيا عزت الله
2	نوري ابراهيم
2	واثقي راد محمد حسين

مشاهده می شود که آقای اعرابی، آقای مودب و آقای ناصح بیشترین آثار را در نشریه داشته اند.

جدول ۵ دانشگاه های پرکار را نشان می دهد.

جدول 6 دانشگاه های پرکار

دانشگاه	فراوانی
دانشگاه قم	96
دانشگاه اراك	17
دانشگاه تهران	14
دانشگاه تربیت مدرس	8
دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم	8
دانشگاه قرآن و حدیث	7
دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز	5
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات	5
دانشگاه کاشان	4
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه	2
جامعه المصطفی العالمیه	2
دانشگاه اصفهان	2
دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان	2
دانشگاه بوعلی سینا	2
دانشگاه خوارزمی	2
دانشگاه سیستان و بلوچستان	2
دانشگاه شهید بهشتی	2
دانشگاه مازندران	2
دانشگاه هنر	2
دانشگاه یزد	2

مشاهده می شود دانشگاه های قم، اراک و تهران بیشترین تعداد مقاله را در نشریه داشته اند.

بحث

در این پژوهش، به تحلیل و بررسی مقالات فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی از منظر علم سنجی پرداخته شده است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی ویژگی های کلیدی مقالات منتشر شده در این فصلنامه از جمله روند رشد مقالات، نقشه های هم رخداد و هم نویسنده گی، پر بسامدترین واژگان، گرایشات پژوهشی، وضعیت بلوغ خوشه ها و شناسایی نویسندگان و دانشگاه های پرتولید بود. یافته ها نشان می دهند که در ابتدا تعداد مقالات رشد قابل توجهی داشت و در سال ۱۳۹۸ به اوج خود رسید، اما از آن زمان به بعد تعداد مقالات روندی نزولی را تجربه کرد که ممکن است به دلایل مختلفی از جمله عدم نمایه سازی مقالات در ISC مربوط باشد.

تحلیل شبکه هم رخداد واژگانی نشان داد که واژه "تفسیر" در مرکز شبکه قرار دارد، که نشان دهنده اهمیت محوری این مفهوم در مقالات است. همچنین خوشه های مختلفی بر اساس موضوعات فرعی و میان رشته ای شناسایی شد که گویای تنوع رویکردهای پژوهشی در نشریه است. این تنوع به نشریه اجازه داده است تا به مباحث مختلفی بپردازد، اما همچنان محوریت خود را در تفسیر حفظ کند. خوشه ها نیز در نمودار راهبردی بر اساس مرکزیت و تراکم خود در جایگاه های مختلفی قرار گرفتند، که می تواند به تحلیل دقیق تری از وضعیت توسعه یافتگی و بلوغ پژوهش های مختلف کمک کند.

همچنین، بررسی گرایشات پژوهشی در طول زمان نشان دهنده تغییرات در اولویت های موضوعی بوده است، به ویژه توجه به مفاهیمی چون "قرآن"، "تغییر" و "فرهنگ" در سال های مختلف، که می تواند بازتاب دهنده تحولات اجتماعی و دینی در آن زمان ها باشد. از سوی دیگر، نتایج تحلیل هم نویسنده گی نشان داد که مقالات به طور عمده توسط نویسندگان با همکاری محدود منتشر شده اند، با این حال، بررسی پرتولیدترین نویسندگان و دانشگاه ها نشان می دهد که دانشگاه های خاصی مانند دانشگاه قم، اراک و تهران نقش مهمی در تولید مقالات این نشریه داشته اند.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر نشان داد که فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی از لحاظ تعداد مقالات و تنوع موضوعی در طول زمان دچار تغییرات قابل توجهی شده است. این نشریه در ابتدا روندی رو به رشد را طی کرده و سپس با تثبیت تعداد مقالات در چند سال اخیر روبه رو شده است. همچنین، یافته ها حاکی از آن است که محوریت

واژه "تفسیر" در مقالات این فصلنامه به طور قابل توجهی برجسته است و پژوهشگران به طور عمده به بررسی موضوعات مرتبط با تفسیر قرآن و تحلیل متون دینی پرداخته اند. تحلیل شبکه هم‌رخداد واژگانی و خوشه‌های موضوعی همچنین نشان‌دهنده تنوع رویکردهای پژوهشی و گستره موضوعات مرتبط با تفسیر است که در آینده می‌تواند به توسعه بیشتر نشریه کمک کند. به علاوه، شناسایی پرتولیدترین نویسندگان و دانشگاه‌ها نیز نشان‌دهنده تعاملات علمی و پژوهشی فعال در این حوزه است. در نهایت، این پژوهش می‌تواند به مدیران نشریه کمک کند تا با تحلیل روندهای گذشته، استراتژی‌های مناسب برای آینده توسعه و بهبود کیفیت مقالات خود اتخاذ کنند.

پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده با افزایش تنوع نمونه‌های آماری و استفاده از روش‌های ترکیبی کیفی و کمی، به تعمیق و گسترش نتایج این پژوهش پردازند.

منابع:

احمدی، ح.، عصاره، ف. (۱۳۹۶). مروری بر کارکردهای تحلیل هم‌واژگانی. فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات، ۲۸(۱۴۵).

اکبری، ع. (۱۴۰۱). علم‌سنجی فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه. فصلنامه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ۱۰(۳۸)، ۸۹-۱۱۱.

<https://doi.org/10.22084/nahj.2023.26592.2833>

بهراری آرمان، مودی بهنوش. تجزیه و تحلیل جایگاه نویسندگی زنان در مقالات علمی (مطالعه‌ی موردی: فصلنامه‌های حوزه جغرافیا). مجله علم‌سنجی کاسپین. ۱۳۹۹؛ ۷(۲): ۴۵-۵۳.

پناهی، م.، یوسف‌زاده، ع. (۱۳۹۷). تحلیل ارزیابی و علم‌سنجی مقالات فصلنامه علمی-پژوهشی «امنیت پژوهی» (مورد مطالعه: سال‌های ۱۳۸۸ - ۱۳۹۷). امنیت پژوهی، ۶۳(۱۷)، ۹۰-۶۹.

<https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1495224>

پوروشسب، س. و کریمی زاده اردکانی، س. (۱۳۹۸). تحلیل کتاب سنجی و علم سنجی فصلنامه رهیافت بین سال های ۱۳۷۷-۱۳۹۷. رهیافت، ۲۹(۱)، ۸۵-۹۸. <https://doi.org/10.22034/rahyaft.2019.13754>

توکلی فراش، ل. (۱۳۹۵). ترسیم و تحلیل نقشه علم نگاشتی برون دادهای حوزه کارآفرینی در بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۵م، از طریق تحلیل هم رخدادی واژگان در پایگاه استنادی وب آو ساینس و تعیین جایگاه ایران در این حوزه شهید چمران]. اهواز .

خاصه، ع. ا. بانگ آور ماشک، م. قاضی زاده، ح. و مختاری، ح. (۱۴۰۰). یک دهه فعالیت فصلنامه تحقیقات اطلاع رسانی و کتابخانه های عمومی (۱۳۹۶-۱۳۸۷): تحلیل کتاب سنجی و دیداری سازی برون داد علمی. پژوهش نامه علم سنجی، ۷(۱)، ۵۳-۷۶. <https://doi.org/10.22070/rsci.2020.4724.1319>

دانش، فرشید، رحیمی، فروغ. (۱۴۰۳). ارتباط آماری شاخص های جمعیت شناختی و علم سنجی با در هم تنیدگی اعضا هیأت تحریریه: مطالعه موردی مجلات نجوم و اخترفیزیک. پژوهش نامه علم سنجی: doi: -. (۱)، 10.22070/rsci.2025.19791.1770

رحیمی، م. و فتاحی، ر. ا. (۱۳۸۷). بررسی وضعیت همکاری علمی اعضای هیئت علمی در چهار حوزه موضوعی در دانشگاه فردوسی مشهد. کتابداری و اطلاع رسانی، ۱۱(شماره ۲ (پیاپی ۴۲))، ۹۵-۱۲۰.

سهیلی، ف. و شعبانی، ع. و خاصه، ع. ا. (۱۳۹۵). ساختار فکری دانش در حوزه رفتار اطلاعاتی: مطالعه همواژگانی. تعامل انسان و اطلاعات، ۳(36).

صدیقی، م. (۱۳۹۳). بررسی کاربرد روش تحلیل هم رخدادی واژگان در ترسیم ساختار حوزه های علمی (مطالعه موردی: حوزه اطلاع سنجی). فصلنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۰(396).

عرفان منش، م. و مروتی اردکانی، م. (۱۳۹۵). مطالعه علم سنجی و تحلیل شبکه های همکاری علمی در فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، ۸(۴)، ۷۷-۵۵. <https://doi.org/10.22035/isih.2016.230>

میرحق جولنگرودی، س. (۱۳۹۲). تحلیل علم سنجی مجله «مطالعات قرآنی». مطالعات قرآنی، ۱۶(۴)، ۱۴۱-۱۵۳. <https://www.noormags.ir/view/en/articlepage/1065378>

نویخت، ی. (۱۳۹۸). مطالعه علم سنجی تولیدات علمی پژوهشنامه مالیات. فصلنامه بازیابی دانش و نظام های معنایی، ۶(۱۸)، ۳۳-۵۴.

- Cronin, B., & Meho, L. (2006). Using the h-index to rank influential information scientists. *Journal of the American Society for Information Science and technology*, 57(9), 1275-1278.
- Ebadollah Amouqhin, J., & Ziaei, S. (2017). Analysis of Scientific Productions on Islamic Philosophy in the Web of Science (Wos) from the Year 2007 To 2016. *Journal of Philosophical Theological Research*, 19(3), 216-231. doi: 10.22091/pfk.2017.113.1066
- Schoepflin, U., & Glänzel, W. (2001). Two decades of "Scientometrics". An interdisciplinary field represented by its leading journal. *Scientometrics*, 50(2), 301-312. <https://doi.org/https://doi.org/10.1023/a:1010577824449>
- Serenko, A., Bontis, N., & Grant, J. (2009). A scientometric analysis of the Proceedings of the McMaster World Congress on the Management of Intellectual Capital and Innovation for the 1996-2008 period. *Journal of Intellectual Capital*, 10. (21)
- Thanuskodi, S. (2011). Bibliometric analysis of the Indian journal of chemistry. *Library Philosophy and practice*, 1.
- Tiew, W. S., Abdullah, A., & Kaur, K. (2001). Malaysian Journal of Library and Information Science 1996-2000: A Bibliometric Study. *Malaysian Journal of Library and Information Science*, 6(1), 43-56.
- Van Raan, A. F. (2005). Fatal attraction: Conceptual and methodological problems in the ranking of universities by bibliometric methods. *Scientometrics*, 62, 133-143.

Analysis of Scientific Productions of the Biannual Journal "Researches in Comparative Interpretation" and Scientific Mapping

Abstract

Introduction: Analyzing scientific data to identify research trends and evaluate the performance of scientists is a crucial part of scientific research. Analyzing the scientific output of specialized journals can contribute to a deeper understanding of scientific developments. The biannual journal "Researches in Comparative Interpretation," as a reputable source in the field of comparative studies of religious, philosophical, and cultural texts, plays a prominent role in this area. This research investigates the scientific productions of this journal using scientometric methods.

Objectives and Necessities: The aim of this research is to identify the key characteristics of articles published in the journal "Researches in Comparative Interpretation," including the trend of article growth, co-occurrence and co-authorship maps, the most frequent keywords, research trends, the maturity status of clusters, and the identification of prolific authors and universities.

Research Methodology: In this study, the ISC database was used to collect data, and network analyses of the data were performed using Excel and Bibliometrix software. Co-authorship and keyword analysis methods were employed for content analysis.

Findings: Based on the results, the number of articles increased from 2015 to 2019, then remained relatively stable, and decreased in 2024. The keyword "interpretation" is at the center of the co-occurrence network of articles, indicating the centrality of this topic in the research. Additionally, other keyword clusters such as "Quran" and "comparative interpretation" were identified. The co-authorship analysis showed that articles were mainly published by two or more authors. Research trends also showed changes over time, including an increased attention to the concepts of "Quran" and "culture."

Conclusion: The journal "Researches in Comparative Interpretation" has undergone significant changes in the number of articles and thematic diversity over time. The co-occurrence network analysis of keywords and co-authorship indicates diversity in research approaches and scientific collaborations. This research can help the journal's managers to adopt appropriate strategies for the future by analyzing past trends. It is also suggested that future research utilize mixed qualitative and quantitative methods to expand the findings of this study.

Keywords: Co-authorship, Co-word analysis, Scientometrics, Scientific production, Researches in Comparative Interpretation